

مطالعه بسترهای درمان وابستگی به مواد مخدر در بین زنان: یک مطالعه کیفی

داریوش غفاری^۱، نفیسه صدر ارحامی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۳۱

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر کشف نظام معنایی زنان مصرف کننده مواد مخدر درباره موانع درمان وابستگی به مواد و درمان کم دوام بود. **روش:** روش این پژوهش کیفی و از نوع نظریه گراند تئوری بود. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل زنان مصرف کننده مواد مخدر در شهر کرمانشاه بود که ۱۵ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، کدگذاری و تحلیل در سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و انتخابی انجام پذیرفت. **یافته‌ها:** سه مقوله اصلی شامل نارسایی حمایت رسمی، فقدان بستر توسعه خدمات درمان، و ترس از رویدادهای سخت زندگی به دست آمد که مقوله‌های اصلی از ۱۶ مقوله فرعی شامل فقدان برنامه مراقبت از کودک، عادی‌انگاری خدمات بارداری، محدودیت جاگایی، انعطاف‌ناپذیری برنامه‌های درمان، ظرفیت محدود مراکز، عدم تحمل وقفعه، جدایی تعاملاتی، نارسایی آموزش، عدم قدرت تصمیم‌گیری، آگاهی محدود از اختلاف جنسیتی، تعییم‌پذیری اعتیاد مردان به زنان، ترس از دست دادن حضانت فرزند، شرم و ننگ، ترس از تنها‌بی، ترس از عود، و بی‌ارادگی تشکیل شد. **نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج، شرایط کنونی درمان برای زنان مناسب نیست. بنابراین، تغییر نگرش مردم نسبت به بیمار بودن زنان مصرف کننده مواد و اصلاح‌پذیری آنان، توجه به زنان به عنوان عنصری کارآمد در هنگام تدوین برنامه جامع درمانی، تلاش برای ایجاد محیط مساعد خانواده برای فرد مصرف کننده بعد از درمان، تلاش در جهت افزایش سطح آگاهی نسبت به درمان زنان، ایجاد مراکز درمانی دولتی برای افراد وابسته به مواد، و تلاش در جهت مشروعتی بخشی به درمان زنان مصرف کننده مواد باید مدنظر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: مواد مخدر، درمان وابستگی به مواد، زنان، اعتیاد

۱. نویسنده مسئول: دکتری جامعه شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. پست الکترونیک: darghafari@yahoo.com

۲. استادیار، گروه جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. پست الکترونیک: n.sadr@pnu.ac.ir

مقدمه

اختلال مصرف مواد مخدر امروزه از طریق اثرات مخرب خود بر سلامت افراد، هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی گزارفی را به جوامع تحمیل می‌کند، به‌طوری که به یکی از دغدغه‌های بزرگ جوامع بشری تبدیل شده است. مواد مخدر به‌مثابه وضعیتی خاص، پدیده نسبتاً جدیدی است که از اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ میلادی شناخته شده است (حاجلی، زکریایی و حتی کرمانی، ۱۳۸۹). امروزه کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که مهم‌ترین و یکی از عمدۀ ترین مشکلات، مسئله مواد مخدر و اعتیاد نباشد. به‌طوری که اختلال مصرف مواد از شایع‌ترین و پرهزینه‌ترین مشکلات سلامتی در جهان کنونی است (طاهری فرد، بشرپور، حاجلو و نریمانی، ۱۴۰۰). سازمان بهداشت جهانی^۱ مسئله مواد مخدر، اعم از تولید، انتقال، توزیع و مصرف را در کنار سه مسئله جهانی دیگر یعنی اباحت سلاح کشتار جمعی، آلدگی محیط‌زیست، فقر و شکاف طبقاتی از جمله مسائل اساسی شمرده است که حیات بشری را در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در عرصه جهانی مورد تهدید و چالش قرار می‌دهد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۰). بر اساس آخرین گزارش منتشر شده در سال ۲۰۱۷ حدود ۲۷۱ میلیون نفر به عبارتی ۵/۵ درصد از جمعیت جهان در محدوده سنی ۱۵-۶۴ سال مواد مصرف کرده بودند (ابازید، ابو-ایزبا، ابو فرهان و ال-جوما، ۲۰۲۰). از جمله مشکلاتی که در عصر حاضر، دامن‌گیر کشور ما ایران شده است افزایش روزافزون مصرف مواد مخدر باشد به‌طوری که شمار مصرف کنندگان مواد مخدر و معتادان سیر صعودی را طی می‌کنند. افراد علیرغم وجود قوانین، هنجارهای جامعه و وجود آگاهی از عواقب ناگوار آن، همچنان به مصرف ادامه می‌دهند (گویل^۲ و همکاران، ۲۰۱۸).

پدیده معضل آفرین دیگر، روند دوجنسیتی و زنانه شدن اعتیاد است (غفاری، ۱۳۹۹). گزارش‌های اخیر سازمان ملل در مورد جنسیت و اختلال مصرف مواد، نشان می‌دهد که حدود ۱۰ درصد از مصرف کنندگان را زنان تشکیل می‌دهند (دفتر جهانی مبارزه با مواد

۲۴۶

246

۱. WHO, ۱۷, No. 67, S, p. ۱۱۳, ۲۰۲۳
۲. Al-Jomaa, A., Isba, A., Farha, A., & Abazid, A. (2018). The relationship between drug abuse and gender issues. Journal of the World Health Organization, 17(1), 113.

1. World Health Organization
2. Abazid, Abou -Isba, Abu Farha & Al -Jomaa

3. Goel

مخدر و جرم^۱، ۲۰۱۷)؛ اگرچه بخشی از اعتیاد زنان به دلیل برچسب‌هایی که در جامعه به یک زن معتاد زده می‌شود، پنهان مانده و بخش قابل توجهی از جمعیت معتادان زن کشور در آمار گنجانده نمی‌شود؛ اما برخی گزارش‌ها از جمعیت مصرف کننده مستمر مواد مخدر نشان می‌دهند که ۷ درصد معتادان را زنان تشکیل می‌دهند (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۹۷). زنان معتاد در جامعه آسیب‌پذیرتر از مردان هستند؛ زیرا مصرف مواد در زنان اغلب با آسیب‌های اجتماعی دیگری همچون فرار از خانه، روسپیگری و فقر توازن است (موسی نسب، شمس‌الدینی و منصوری، ۱۳۹۴). بچه‌هایی که با مادر معتاد زندگی می‌کنند ضربه‌های روانی شدیدی را تجربه کرده، از مشکلات عدیده و پیچیده‌ای رنج می‌برند (لومبارد، پالین و سوابی، ۲۰۱۷). هرچه میزان زندگی با والدین معتاد طولانی تر باشد بیشتر دچار بیماری‌های جسمی (اختلال تغذیه) و اختلال عصبی می‌شوند (نیگارد، موئه، اسلینینگ و واہوود، ۲۰۱۵). زنان معتاد درواقع گرایش دارند تا از طریق روابط نزدیک و صمیمانه با مواد مخدر آشنا شوند که این امر می‌تواند به طور بالقوه نتایج مصیبت باری برای سلامتی آنان در برداشته باشد. شایع‌ترین ضربه روحی تجربه شده توسط مردان، از طریق تهاجم و ضرب و شتم افراد همسال معتاد آنان بوده است. درحالی که زنان بیشترین قربانی رفتارهای جنسی ناخواسته بوده‌اند (غفاری، ۱۳۹۵). زنان نسبت به مردان، الكل و سایر موارد مخدر را کمتر مصرف می‌کنند؛ اما مشکلات مربوط به مصرف مواد باشد و سرعت بیشتری در بین زنان نسبت به مردان رخ می‌دهد (عباسی و محمدخانی، ۲۰۱۶). بر اساس آمارهای جهانی، اعتیاد زنان عوارض خطرناک‌تری نسبت به مردان ایجاد می‌کند، به عنوان مثال فاصله زمانی اولین تجربه به مصرف مواد تا تزریق مواد در زنان به‌طور متوسط دو سال و در مردان هشت سال است. بدین ترتیب زنان شش سال زودتر از مردان به وابستگی شدید کشیده می‌شوند. طبعاً درمان سخت‌تر و عوارض جسمی، روانی و اجتماعی آن به‌مراتب بیشتر است (نوری، ۱۳۸۹).

۲۴۷
۲۴۷

۱۴۲ پیاره، ۱۴۲ شماره، ۱۴۲ هفدهم، Vol.17, No.67, Spring 2023

1. United Nation Office on Drugs and Crime
2. Lombard, Pullen & Swabey

3. Nygaard, Moe, Slønning & Walhovd

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که در بین سایر اختلافات، زنان عموماً دارای مشکلات شدیدتری در ورود به درمان و به صورت بالقوه موضع بیشتری برای دسترسی به درمان نسبت به مردان دارند. افراد وابسته به مواد تلاش می‌کنند تا مصرف مواد مخدر را کنار بگذارند اما مانندن در ترک اعتیاد و ورود به درمان سخت‌ترین مرحله تغییر رفتار در افراد وابسته به مواد است و از سوی دیگر بسیاری از کسانی که ترک می‌کنند پس از مدتی دوباره به مصرف مواد مخدر روی می‌آورند. به طوری که ملامیس^۱ (۲۰۱۵) احتمال بازگشت (عود) به مواد مخدر را در خوشبینانه ترین حالت حدود ۱۵ درصد پیش‌بینی کرده است به نظر وی این احتمال تا ۹۰ درصد متغیر است.

اهمیت توجه به مقوله درمان و ترک اعتیاد، زمینه انجام مطالعات گوناگون سبب شناسی برخواهد که این پدیده را فراهم آورده است؛ بروگلی، لینک و نیومن^۲ (۲۰۱۸) ترس از عدم مراقبت و از دست دادن کودکان را به عنوان موضع درمان معرفی کرده‌اند. آپشور، جنکیتز، وینرب، گلبرگ و اوروک^۳ (۲۰۱۸) طی مطالعه‌ای به هزینه بالا و امکانات دور از دسترس به عنوان موضع ترک اعتیاد و ورود به درمان اشاره کرده‌اند. نتایج مطالعه استیونس، جاسون، رام و لایت^۴ (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که فقدان حمایت‌های اجتماعی می‌تواند مانع دسترسی زنان به درمان شود. کلامان، لورویک و جونز^۵ (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند که کمبود قادر آموزش‌دهید و متخصص، مانندگاری درمان را سخت و دشوار می‌کند. شاکرمی نسب، عظیم زاده طهرانی، رستمی و پاسان زاد (۱۴۰۱) به ولع مصرف به عنوان عامل بازگشت (عود) اشاره دارند. بدیع، مکوندی، بختیاری و پاشا (۱۴۰۱) کاہش خودکارآمدی و الگوی ارتباطی خانواده را به عنوان عوامل درمان کم‌دومان دانسته‌اند. طراحی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه خود به طرد اجتماعی، استرس‌های محیطی، مشکلات عاطفی، داشتن دوستان معتاد و دسترسی آسان به مواد را به عنوان موضع درمان اشاره می‌کنند. حمیم، موق، ملابری، خواجه لیگ و دی، دلیر به، احمدی، و امین اسماعیل،

(۱۳۹۰) طی مطالعه‌ای انگک، تحقیر، کمبود مراکز نگهداری زنان، فقدان حمایت از کودکان را به عنوان موانع درمان زنان معرفی کرده‌اند.

از نگاهی دیگر اگر انسان را محور توسعه قرار دهیم، اعتیاد و مواد مخدر، برنامه توسعه که منجر به ارتقای انسان می‌شود را با مشکل مواجه می‌سازد و جامعه را دچار انحطاط می‌کند. این در حالی است در ایران همچون بقیه جوامع، نیمی از جمعیت کشور را و به عبارتی نیمی از سرمایه انسانی را زنان تشکیل می‌دهند. زنان با توجه به نقش چندبعدی در عرصه اجتماع و خانواده و به واسطه ویژگی خلقتی و سرشتی، نقش محوری را در خانواده و جامعه ایفا می‌کنند. سلامتی فکری، جسمانی و ثبات روحی زنان می‌تواند در سلامت روح و روان کودکان، همسران و جامعه نقش بسزایی داشته باشد. صرف نظر از نوع فقر، شناخت و ضعف تمھید و تدبیر استراتژیک و فقدان رویکردی فraigیر و مبتنی بر تعیین چندجانبه جستجوی علل و عوامل متنوع در پس این پدیده، فقدان بررسی تفاوت جنسیتی در مورد درمان، لزوم توجه به این مسئله را ضروری می‌کند. بنابراین با توجه به پیچیدگی موضوع و به منظور بررسی ابعاد وسیع تر و آشکار شدن زوایای پنهان و سازگاری موضوع با روش کیفی و پاسخ به سوالات مطرح شده درباره تفاوت‌های جنسیتی و درمان وابستگی به مواد باید به گونه‌ای فزاینده از راهبردی‌های استقراری و روش‌های کیفی استفاده شود. هدف این پژوهش کشف نظام معنایی زنان مصرف کننده مواد مخدر درباره موانع درمان وابستگی به مواد در شهر کرمانشاه و تبیین تجارت آنها در مورد دلایل و شرایط اصلاح و درمان کم دوام و موانع دستیابی به آن است؛ لذا این مطالعه به دنبال این است که دلایل و شرایط درمان وابستگی به مواد مخدر را کشف کند و دریابد که دیدگاه افراد و شرایط درمان وابستگی به مواد چیست؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش این تحقیق، کیفی از نوع نظریه بنیادی بود. در نظریه بنیادی منطق روش‌شناسی عمیقی نهفته است که آن را از محدوده یک روش‌شناسی سطحی به‌واقع گرایانه و همراه با تقلیلی اجمالی فراتر می‌برد. نظریه بنیادی مجموعه‌ای از مفاهیم و مقولات و گزاره‌ها برای

صورت‌بندی ساخته‌ای نظری متناسب با کنش‌هایی است که در متن اجتماعی تحت پژوهش رخ می‌دهد؛ بنابراین موضوع مورد مطالعه نظریه بنیادی، نه ساخته‌ای اجتماعی، بلکه بر ساخته‌ای اجتماعی است (ایمان، ۱۳۹۱). جامعه پژوهش در این تحقیق زنان مصرف کننده مواد مخدر در شهر کرمانشاه بودند که ۱۵ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب آگاهانه از سوی محقق انجام می‌شود. بر اساس این رویه محقق با انجام مصاحبه با ۱۵ نفر از زنان مصرف کنندگان مواد مخدر در شهر کرمانشاه به اشاع داده‌ها رسید. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق و بدون ساختار و به صورت چهره به چهره استفاده شده است. در مصاحبه عمیق، پژوهشگر برای کشف موضوع مورد مطالعه خود چند مفاهیم حساس اصلی را محور مصاحبه قرار داده و بر مبنای آن سوالات را از مصاحبه‌شوندگان می‌پرسد. مصاحبه ابتدا با یک سؤال کلی در مورد اعتیاد و درمان وابستگی آغاز و با ارائه سوالات تکمیلی ادامه یافت. معیارهای ورود عبارت‌اند بودند از: اعتیاد به یکی از مواد مخدر حداقل طی یک سال گذشته، حداقل یک بار تصمیم برای درمان وابستگی، توانایی جسمی و روحی برای همکاری در پژوهش.. در این پژوهش، معیارهای اخلاقی، رعایت شده است.

مشارکت کنندگان بر اساس اهداف پژوهش، تجربه مصرف مواد و درمان، انتخاب شدند. کلیه مصاحبه‌ها به صورت انفرادی و در مکان مورد نظر مشارکت کننده و در فضایی مناسب انجام شد. به طور کلی مدت هر مصاحبه حدود ۸۰ تا ۱۲۰ دقیقه به طول انجامید. برای قابلیت اعتماد و صحت داده‌ها از فن‌های رایج اعتباریابی در روش‌های زمینه‌ای شامل روش کنترل یا اعتباریابی از سوی اعضا استفاده شد. این پژوهش تحت نظر متخصصان روش تحقیق کیفی انجام شد و از دو پژوهشگر متخصص خواسته شد بر همه فرایند پژوهش، شامل مراحل کدگذاری نظارت داشته و دیدگاه‌های خود را در مورد آن‌ها بیان کنند. همچنین یافته‌های پژوهش در اختیار مشارکت کنندگان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد نظر خود را درباره یافته‌های کلی و صحت تحلیل‌ها ارائه دهند و صحبت‌های خود را با داده‌های بیان شده، تطبیق دهند.

تکنیک اساسی تحلیل داده‌ها در نظریه بنیادی کدگذاری سه مرحله است، ایجاد مفاهیم از طریق فرایند کدگذاری ممکن می‌شود. در این فرآیند داده تجزیه و شکسته شده، مفهوم‌سازی می‌شوند و به شیوه جدید در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (کورین و استراوس^۱، ۲۰۰۸). کدگذاری خلق کردن یک مقوله است که برای توصیف یک ویژگی عام داده‌ها استفاده می‌شود، فرآیند کدگذاری در سه مرحله، باز، محوری و انتخابی انجام گرفت.

الف-کدگذاری باز

بر حسب نوع مصاحبه‌ها و روایت‌ها، گاهی سطر، جمله، پاراگراف و حتی واژگان نیز تحلیل، کدهای اولیه استخراج شده است که کدهای توصیفی هستند این کدها بر چسب‌هایی هستند که معرف بخشی از داده‌های متنی پژوهش هستند.

ب-کدگذاری محوری

در مرحله بعد و طی فرآیند تحلیل استقرایی، کدهای اولیه و فرعی باهم استخراج شدند و فرآیند انتزاع کدها آغاز شد و این فرآیند با خوانش مکرر مصاحبه‌ها و با مقایسه مدام میان کدها انجام شد. کدهای اولیه در این پژوهش کدهای تجربی هستند و به عبارتی پژوهشگر بدون پیش‌زمینه نظری به سراغ متون مصاحبه می‌رود و در حقیقت این کدها به متن و میدان مطالعه وابسته بوده است.

ج-کدگذاری انتخابی

در مرحله آخر پژوهشگر کدهای محوری به دست آمده را در فهرستی کنار هم قرار داده است و تلاش می‌کند بر اساس سؤال اولیه پژوهش در هر بخش انتزاعی‌ترین و اساسی‌ترین کد را شناسایی کند که دلالت‌های معنایی را نمایندگی کند و با طرح سؤالات و نوشتן یادداشت‌های تحلیلی مختلف، مقولات هسته را کشف کند.

یافته‌ها

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ۲ نفر (۱۳/۳ درصد) از پاسخگویان زیر ۱۸ سال، ۶ نفر (۴۰ درصد) بین ۱۸ تا ۲۹ سال، ۵ نفر (۳۳/۳ درصد) در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال و ۲ نفر

درصد) گروه سنی ۴۰ سال به بالا قرار دارند. ۱ نفر (۶/۶ درصد) سواد ابتدایی داشتند، دو نفر (۳/۳ درصد) دارای مدرک زیر دیپلم، ۵ نفر (۳/۳ درصد) دیپلم، ۳ نفر (۲۰ درصد) فوق دیپلم و ۴ نفر (۲۶ درصد) لیسانس و بالاتر هستند. نتایج نشان دهنده آن است که ۹ نفر (۶۰ درصد) از پاسخگویان مجرد و ۶ نفر (۴۰ درصد) از پاسخگویان متاهل هستند. توزیع سن اولین شروع مواد بدین صورت است که ۲ نفر (۳/۳ درصد) زیر ۱۶ سال اولین سن مصرف مواد مخدر را اعلام کرده اند، ۴ نفر (۲۶/۶ درصد) ۱۶ تا ۲۰ سال، ۵ نفر (۳۳/۳ درصد) بین سن ۲۰ تا ۲۴ سال، ۲ نفر (۱۳/۳ درصد) ۲۴ تا ۲۸ سال، ۲ نفر (۱۳/۳ درصد) بین ۲۸ تا ۳۲ سال، سن داشتند. ۶ نفر (۴۰ درصد) از پاسخگویان، سابقه مصرف مواد را در اعضای خانواده شان تائید کرده اند که می توان چنین استنباط کرد که سابقه مصرف مواد مخدر در خانواده نقش مهمی در ابتلا به اعتیاد دارد. ۱ نفر (۶/۶ درصد) گزارشی از داشتن سابقه مصرف مواد مخدر در خانواده شان ارائه نکرده اند و ۸ نفر (۵۳/۳ درصد) سابقه مصرف مواد مخدر در خانواده نداشته اند.

جدول ١: نوع مواد مصرفي، روش و مدت مصرف

ردیف	نوع مواد مخدر	فراوانی درصد	مدت مصرف مواد	فراوانی درصد	روش مصرف	مواد مخدرستی	مواد مخدر صنعتی
۱	کمتر ۱ سال	% ۶/۶	۳۳/۳%	% ۵	تزریق	% ۴۰	% ۶
۲	بین ۱ تا ۲ سال	% ۲۰	% ۴۰	۶	تدخین	% ۶۰	مواد مخدر
۳	بین ۲ تا ۳ سال	% ۲۶/۶	% ۲۰	۳	استنشاقی	----	----
۴	بیش از ۳ سال	% ۴۶/۶	% ۶/۶	۱	خوراکی	----	----

از تجزیه و تحلیل و مقایسه مدام داده‌های پژوهشی، سه مقوله مفهومی اصلی با عنوان نارسایی حمایت‌های رسمی، فقدان بستر توسعه خدمات درمان و ترس از رویدادهای سخت زندگی پدیدار گشت. این مقوله‌های اصلی از مقوله‌های فرعی فقدان برنامه مراقبت از کودک، عادی انگاری خدمات بارداری، محدودیت جابجایی، برنامه درمان انعطاف‌ناپذیر، ظرفیت محدود مراکز، عدم تحمل وقfe، جدایی تعاملاتی، نارسایی آموزش، عدم قدرت تصمیم‌گیری، آگاهی محدود از اختلاف جنسیتی، تعمیم‌پذیری

اعتیاد مردان به زنان، ترس از دست دادن حضانت فرزند، شرم و ننگ، ترس از تنها بی، ترس از عود، بی ارادگی بر ساخت شده است. در جدول ۲ مقوله های اصلی و فرعی به همراه تعدادی از نقل قول های مشارکت کننده گان ارائه شده است.

جدول ۲: مقوله های پسترهای درمان وابستگی به مواد مخدر

ردیف	مقوله فرعی	مقوله های اصلی	مقوله هسته
۱	فقدان برنامه مراقبت از کودک، عادی انگاری خدمات بارداری محدودیت جابجایی، انعطاف ناپذیر برنامه درمان، نارسایی -	بازدیده انگاری درمان جنسیتی مشروطه عیار	
۲	ظرفیت محدود مراکز، عدم تحمل وقهه، جدایی تعاملاتی، حمایت های رسمی نارسایی آموزش	عدم قدرت تصمیم گیری، آگاهی محدود از اختلاف	
۳	درمان ترس از دست دادن حضانت فرزند، شرم و ننگ، ترس از ترس از رویدادهای نهایی، ترس از عود، بی ارادگی	قدان بستر توسعه جنسیتی، تعمیم پذیری اعتیاد مردان به زنان	

در ادامه، مفاهیم طبقات مختلف بررسی و تشریح شد.

مقوله اصلی نارسایی حمایت های رسمی

این مقوله اصلی از ۸ مقوله فرعی بر ساخت شده است و عدم وجود شفافیت در سیاست ها و برنامه ریزی، خدمات دسترسی به درمان اختلال مصرف مواد را برای زنان دشوار می کند؛ اگرچه این موانع مردان را هم با مشکلاتی مواجه می کند ولی به طور کلی زنان از نبود و عدم شفافیت سیاست های درمان بیشتر از مردان آسیب می بینند.

۱- فقدان برنامه مراقبت از کودک

زنانی که به دنبال درمان هستند، بیشتر از مردان احتمال زندگی با وابستگی به کودکان را می توانند داشته باشند. فقدان مراقبت از کودکان احتمالاً سازگارترین عامل محدود کننده دسترسی به درمان برای زنان است. اگرچه جامعه نگران کودکان است، ولی ممکن است در برنامه های درمان اختلال مصرف مواد کودکان نادیده گرفته شوند. شرکت کننده شماره ۲ که مادر یک پسر شش ساله است می گویید: «خونه هم که هستم پسرم بیشتر موقع آواره کوچه محل است حالا فرض کن منم نباشم شوهر معتادم چطور می خواهد از بچه نگه داری کنه فکر کنم دیگه شبا هم بخوابه تو کوچه، هرجی حساب می کنم نمیشه». شرکت کننده

شماره ۶ که با حمایت خانواده خودش برای ترک اعتیاد اقدام کرده بود می‌گوید: «خانواده خودم تمام هزینه ترک اعتیاد را قبول کردن راستش دوشب موندم تو یه کلینیک، دلم برای بچم پرمی زد به بهانه‌ای فرار کردم...».

۲-عادی انگاری خدمات زنان باردار

زنان باردار معتمد با مشکلاتی بیشتری برای درمان نسبت به دیگران روبرو هستند. مصرف مواد مخدر در طول بارداری می‌تواند حتی باعث اتهامات در مدت بارداری شود و عادی انگاری این موضوع ممکن است منجر به تمایل کمتری جهت درمان اعتیادشان شود. درمان اختلال مصرف مواد و سایر خدمات اجتماعی و سلامتی لازم ممکن است برای زنان باردار در دسترس نباشد یا ممکن است اولویت به خدمات درمان اختلال مصرف مواد داده نشود. شرکت کننده شماره ۸ می‌گوید: آنقدر درگیر اعتیاد شده بودم که متوجه نشدم و ناخواسته باردارشدم الان گیر کردم خانواده شوهرم خط و نشون برام می‌کشن که سلامتی نوهشون را دارم به خطر می‌ندازم واقعیت خودم هم می‌ترسم مشکلی برای بچه پیش بیاد هیچ کس هم نیست بهم بگه چکار کن». شرکت کننده شماره ۱۳ می‌گوید: «بعد از چند سال زندگی، معادشدم شوهر اولم بچه روازم گرفتو طلاقم داد مجدها ازدواج کردم شوهرم نمی‌دونست مصرف می‌کنم دوباره باردار شدم به مرکز درمانی مراجعت کردم میگه نمی‌تونیم خانم‌های باردار رو پذیرش کنیم اگه شوهرم بفهمه قیامت به پا می‌کنه».

۳-حدودیت جابجایی

برخی خردفرهنگ‌ها به زنان اجازه خروج از خانه و محل زندگی را نمی‌دهد. فقدان انتقال برای درمان و هزینه‌های مرتبط با درمان، این امر را برای زنان دشوار می‌کند که بخواهند منزل خود را برای درمان ترک کنند و از جایی که زندگی می‌کنند فاصله داشته باشند. شرکت کننده شماره ۴ می‌گوید: «بابام میگه کمرم را شکستی، به بد بختی مون اضافه نکن، یه شب هم اجازه ندارم بیرون باشم چه برسه به اینکه برای ترک اعتیاد بخوابم چند شب بسترهای بشم خودم می‌دونم اگه یه شب خونه نباشم اون شب پایان زندگیمه». شرکت کننده شماره ۱۴ می‌گوید: «شوهرم میگه جواب مادرم چی بدم تا اینجاش هم باعث سرافکنندی من شدی کافی نیست، بزار این راز را با خودمون به گور ببریم».

۴- انعطاف ناپذیری برنامه‌های درمان

خانواده زنان معتاد و مسئولیت‌های منزل می‌توانند درمان وابستگی به مواد را برای آنان دشوار کنند. برنامه‌های درمان قابل انعطاف با گزینه‌هایی برای روز، شب و کل هفته، می‌تواند امکان دسترسی را افزایش دهد. بسیاری از برنامه‌ها در مکان‌ها و زمان‌های ثابت برگزار می‌شوند که می‌تواند به عنوان موانع درمان منظور شود. شرکت کننده شماره ۷ می‌گوید: «من بمیرم و زنده بشم باید هر روز خونه را تمیز کنم، خلا درست کنم و... این کارا باعث شده که برای درمان با مشکل مواجه بشم به یه مرکز مراجعه کردم دیلم برنامه شون خیلی بازندگی من جور در نصی آد، مددکار هم در جواب می‌گفت مشکل خودته». شرکت کننده شماره ۹ می‌گوید: «کاش مسئولین مراکز درمان یه کم خودشونو به جای ما می‌داشتند بالاخره ما زنیم و مشکلاتمون بیشتره، برخور دشون اصلاً خوب نیست».

۵- ظرفیت محدود مراکز

کمبود مراکز ترک اعتیاد ویژه زنان یکی از موانع درمان است و باید برای پذیرش مدت زمان بیشتری را انتظار بکشند که ممکن است منجر به رها کردن درمان از سوی بعضی معتادان شود. شرکت کننده شماره ۶ می‌گوید: «هر چه تو زندگی داشتم فروختیم و دود شد، حالا که می‌خواهم ترک کنم با هزار بدختی مقداری پول جور کردم مرکز ترک اعتیاد برای زنان تو محله ما نیست جاهای دیگه که هست خیلی گرونه باید کلی منتظر بیمونم تا تو یه مرکز ارزون پیدا بشه بعضی وقت‌ها با خودم می‌گم بی خیال بشم». شرکت کننده شماره ۱۱ می‌گوید: «همیشه اولویت با مرداست هیچ زنا رو به حساب نمی‌ارز تو شهر پره مرکز ترک اعتیاد برای مردان برای زنان خیلی کمک کلی باید آشنا داشته باشی تا تو یه مرکز دولتی جا پیدا کنی، خصوصی‌ها هم که خیلی خوبه ولی من پوشوندارم».

۶- عدم تحمل و قله

برخی زنان آمادگی دنبال کردن هدف درمان پذیری را ندارند یا ممکن است در قدم اول کاهش مصرف مواد را مشاهده نکنند. اگر برنامه کاهش آسیب در دسترس نباشد، زنان ممکن است به درمان ادامه ندهند. شرکت کننده شماره ۱۰ که مدتی تحت درمان بوده است می‌گوید: «مدتی تحت درمان بودم فقط درد کشیدم و آرزو می‌کردم از مرکز برم

بیرون مثل کسی شده بودم که یک هفته بود آب نخورده بود چند روز باید این طور زجر می کشیدم. اخه با سرزنش کردن و قصه گفتن که مشکل من حل نشده بود تازه ظاهرم هم همان طور بود». شرکت کننده شماره ۱۱ می گوید: «من هنوز تصمیمی نگرفتم برای ترک، یه روز رفتم تو یه کلینیک تعدادی اونجا بودن گفتن به این راحتی هم نیست من که اگر یک روز نکشم می میرم چطور چند هفته باید صبر کنم بی خیالش شدم».

۷- جدا یی تعاملات

افرادی که مشکلات مصرف مواد مخدر دارند، اغلب نیازمند تنوع خدمات سلامت اجتماعی هستند. همکاری ضعیف بین سیستم‌های نهادی می‌تواند موانع جدی برای رفع نیاز را فراهم کند. شرکت کننده شماره ۲ می‌گوید: «به یه مرکز مراجعته کردم یک سری فرم در یک واحد پر کردم به واحد بعدی که مراجعته کردم دوباره اون‌ها را تکرار کردم مثل اینکه از وجود من هم اطلاع نداشتن در صورتی که کلی وقت گرفته شد اخه ما با افراد عادی فرق داریم و صبرمون کمه». شرکت کننده شماره ۳ می‌گوید: «بسیاری از کارها رو باید برای چند بار از ابتدا انجام داد و خیلی از مراکز کارایه همو قبول ندارن حتی برای یه آزمایش کوچک که قبل انجام داد، کلاً بین مراکز همکاری وجود نداره».

۸- نارسایی، آموزش

افراد حرفه‌ای نقش مهمی می‌توانند در تشخیص و رفع مشکلات معتادان و تسهیل درمان آن‌ها داشته باشند. با این حال، این افراد حرفه‌ای، ممکن است برای این کار آموزش کافی ندیده باشند. شرکت کننده شماره ۹ می‌گوید: «برای درمان مراجعه کردم اسم من و تو لیست یه پرسنل که ظاهراً کارشناسی بود نوشته بودن وقتی سؤال می‌پرسیدم به بهانه‌ای گوشی شورا دستش می‌گرفت و از اتاق خارج می‌شد بعضی وقتاً طفره می‌رفت اطلاعات کافی نداشت ممکنه مدرک لیسانس داشت ولی درزمنیه درمان مواد مخدر خیلی مسلط نبود». شرکت کننده شماره ۱۲ می‌گوید: «یه بار حالم خیلی بد شد فوری چند نفر آمدن بالای سرم باهم بحث می‌کردند رنگ یکی شان هم پریله بود فکر می‌کردند که من متوجه نیستم ولی فهمیدم که دوز دارو مناسب من نبوده».

مفهوم اصلی فقدان بستر توسعه خدمات درمان

این مقوله از سه مقوله اصلی عدم قدرت تصمیم‌گیری، آگاهی محدود از اختلاف جنسیتی، تعمیم‌پذیری اعتیاد مردان به زنان بر ساخت شده است. این مقوله‌ها موانع توسعه خدماتی می‌شوند که به نیاز زنان پاسخ می‌دهد. ممکن است برخی از این موانع مختص توسعه خدمات درمانی نباشند اما ممکن است برای خدمات وابسته به سلامتی مشکل ایجاد کنند.

۱- عدم قدرت تصمیم‌گیری

زنان کمتر در موضع قدرت قرار دارند که بتوانند سیاست‌های توسعه و تخصیص منابع درمان را تحت تأثیر قرار دهنند. این امر ممکن است نیاز نهادی‌های مربوطه به تحقیق، تخصیص مستقیم منابع برای درمان اختلال مصرف مواد و توسعه سیاست‌هایی مربوط به مسائل جنسیتی را دشوارتر سازد. شرکت کننده شماره ۲ می‌گوید: «همیشه مردا برای ما تصمیم می‌گیرن در صورتی که ما ویژگی‌های خودمون و داریم خدا این ویژگی را در ما گذاشته و یه مرد ما را در ک نمی‌کنه این یه مشکل اساسی هست». شرکت کننده شماره ۴ می‌گوید: وقتی می‌خواستم برم برای درمان با بدینختی از دست بجهام فرار کردم و تا یه روز حالم به خاطر این کار خراب بود یه مادرمی تونه اینو در ک کنه اگه زن‌ها تصمیم می‌گرفتن حتیً فکری هم برای این موضوع می‌کردن چطور ممکنه یه نفر که ویژگی مادری را با وجودش در ک نکرده بتونه برای یه مادر تصمیم بگیره».

۲- آگاهی محدود از اختلاف جنسیتی

بسیاری از عوامل سلامت سنتی بر وضعیت سلامت فردی تأثیر می‌گذارند. آموزش، درآمد، مسکن، اشتغال، شیوه‌های بهداشت فردی و محیط فیزیکی می‌تواند در تفاوت‌های وضعیت سلامت افراد نقش داشته باشد. همچنین اختلافات جنسیتی در بسیاری از این عوامل وجود دارند که باید در طراحی خدمات سلامت شامل خدمات درمان اختلال مصرف مواد در نظر گرفته شود. با این حال مدل‌های درمان هنوز برای مردان طراحی شده است. شرکت کننده شماره ۸ می‌گوید: «من درآمدی ندارم و درمان برایم سخته درمان باید اختصاصی‌تر باشه، شوهرم به زور خرج خوراکم میله چه برسه به درمان و از اون طرف

مشکلات زنان بیشتر از مردان هست، ولی کاری نمی‌کن». شرکت کننده شماره ۶ می‌گوید: «درمان یه طرفه مسائل جانبی ش هم طرفه دیگه، چطور ممکنه من بتونم مسائل جانبی ش را حل کنم، به برادرم گفتم گفت همین که خرج درمانست تو دادم و از خوراک زن و بچه‌م زدم خیلی لطف کردم».

۳- تعمیم پذیری اعتیاد مردان به زنان

افزایش در تعداد مقالات منتشر شده و نشده و گزارش های مربوط به مشکلات مصرف مواد توسط زنان وجود داشته است. علی رغم روند افزایشی تحقیقات، هنوز موضوع جنسیت به طور سیستماتیک در نظر سنجی جمعیتی و دیگر مطالعات پیشگیری و درمان در بسیاری از مناطق دنیا مطرح نشده است. شرکت کننده شماره ۱۱ می گوید: «ما را به عنوان شهریوند درجه دو محسوب می کنیم برچسب هایی که به ما می زنند مخصوص خانم است و الا همه کارا رو برای آقایانه بعدش اگه شد به ما می رسه». شرکت کننده شماره ۱۴ می گوید: من یه زنم چقدر باید بگم با مردا متفاوتم ولی یه درمانگر با من به عنوان یک زن بخورد نمی کنه اصلاً نمی دونم یک زن چقدر سختی را باید تحمل کنه.

مفهومه اصلی ترس از رویدادهای سخت زندگی

این مقوله از ۵ مقوله فرعی ترس از دست دادن حضانت فرزندان، شرم و ننگ، ترس از تنهایی، ترس از عود و بی ارادگی بر ساخت شده است. بر اساس دید مشارکت کنندگان ترس از رویدادهای سخت زندگی در سطح فردی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بررسی می شود و به عنوان موافع دسترسی به درمان از دیدگاه مشارکت کنندگان محسوب می شود.

۱- قوس از دست دادن حضانت فرزند

مشارکت کنندگان بر این باورند که به عنوان یک مادر نالایق ممکن است حضانت فرزندان خود را از دست بدهند، بنابراین از درمان که همراه با افسای اعتیاد آنان باشد واهمه دارند. شرکت کننده شماره ۷ که ۶ سال است اعتیاد دارد می‌گوید: «برای مادر خیلی سخته اگر فرزندش را نبینه درسته اعتیاد دارم ولی مادرم دیگه، همیشه با این ترس زندگی می‌کنم که یه روز بچه‌ام را از من بگیرن سعی می‌کنم همه جا نرم، به هر حال اعتیاد برای یک مادر خوب نیست». شرکت کننده شماره ۱ می‌گوید: «باور کنید سخت ترین عذاب برای به مادر

اینه که بچه‌اش رو ازش بگیرند دو روزبه علت بیماری تو بیمارستان بستری بودم هزار سال به من گذشت، بیشتر شبا از ترس خوابم نمی‌بره، بالاخره احساسم که از بین نرفته».

۲- شرم و ننگ

مشارکت کنندگان بر این باورند که در بیشتر جوامع و فرهنگ‌ها، مصرف مواد مخدر زنان نسبت به مردان ننگ بیشتری دارد و حمایت لازم را برای درمان کسب نمی‌کنند. مشارکت کننده شماره ۹ می‌گوید: «هم مواد مخدر مصرف می‌کنم و گاهی هم الکل می‌خورم، ولی حتی خانواده ام تنها منو معتاد نمی‌دونن و انگک بی‌بندویار هم می‌خوردم و حمایتی نشدم به هم ریختم و بعد از ترک دوباره شروع کردم». شرکت کننده شماره ۳ می‌گوید: «اعتقادم کم بود، باردارم شدمو به دنبالش هزارتا اتهام از طرف خانواده و دوستان... خود معتاد به قدر کافی انگک می‌خوره بارداری هم اونو سنگین تر می‌کنه».

۳- ترس از تنهایی

مشارکت کنندگان اظهار داشتند ترس از دست دادن شریک زندگی، معتادان را از جستجوی درمان منصرف می‌کند. شرکت کننده شماره ۱۲ که سه سال ازدواجش می‌گذرد می‌گوید: «از زمانی که مصرفم جدی شد به توصیه اطرافیان قصد ترک دارم و می‌ترسم ملتی خونه را ترک کنم شوهرم زندگی دیگری برای خودش بسازه و من رو راه نده به هر حال اون جوونه». مشارکت کننده شماره ۱۱ می‌گوید: «ترس از تنهایی به یه کابوس برایم تبدیل شده البته حق به شوهرم می‌دم اگه یه روز همو سرم بیاره، اخه این قیافه است که من برا خودم درست کردم».

۴- ترس از عود

مشارکت کنندگان بر این باورند که اثربخشی درمان با آن چیزی که تبلیغ می‌کنند یکی نیست و درمان‌ها اثر لازم را ندارد و آمادگی دنبال کردن هدف درمان را ندارند. مشارکت کننده شماره ۱۰ می‌گوید: «احساس می‌کنم مراجعه به مراکز درمان بیهوده هست تو یه کمپ نشستن و قصه گفتن دردی را دوانمی‌کنه ما راهی نداریم جزء اینکه با گرفتاری مان کنار بیایم». مشارکت کننده شماره ۱۴ می‌گوید: «همیشه می‌شنوم که هر که

ترک کرده بعد از مدتی دوباره شروع کرده، پدرم هم میگه وقتی تو قبر بزارست میتوانی
ترک کنی، نمیدونم باید چه کار کنم».

۵-بی ارادگی

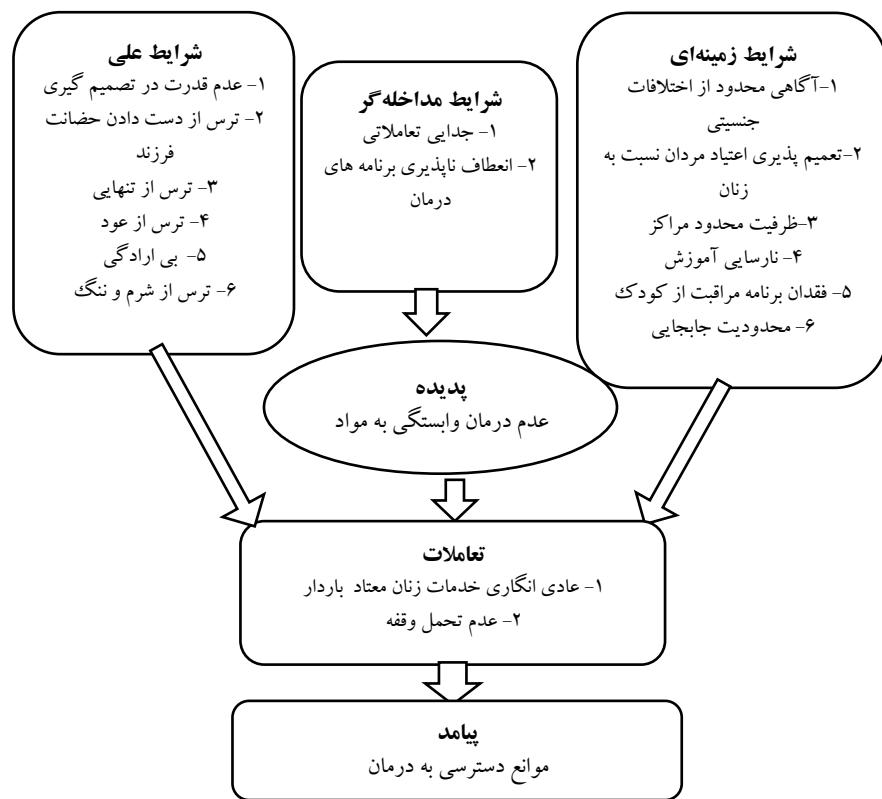
مشارکت کننده‌ها بر این باورند که برای ترک و پاک بودن باید دارای اراده قوی و مصمم بود. مشارکت کننده شماره ۱۵ می‌گوید: «من کراک والکل مصرف می‌کنم سه بار ترک کردم ولی نتوانم تحمل کنم و مصمم نبودم دوباره شروع کردم». مشارکت کننده شماره ۴ می‌گوید: خیلی باید قوی باشی که بتوانی ترک کنی و بعدش دوباره شروع نکنی کسی که معتقد می‌شود کجاش قوی که بتوانه ترک کنه».

مقوله هسته‌ای نادیده انگاری مشروعيت یافته درمان جنسیتی: یافته‌های پژوهش در این مقوله هسته نشان دادند که در مجموع از ۳ مقوله اصلی ۱۶ مقوله فرعی و ۱۰۰ مفهوم استخراج شده است. سعی شده مقوله هسته و مرکزی به گونه‌ای طراحی شود که پدیده اعتیاد و درمان وابستگی به مواد مخدر را در تمامی جهات پوشش دهد؛ به همین ترتیب، مقوله هسته‌ای و مقوله مرکزی، نادیده انگاری مشروعيت یافته درمان جنسیتی مواد مخدر در زنان است. این فرایند به طور کلی درمان و موانع دسترسی به آن را در زنان کندوکاو می‌کند. به بیان دیگر اولین مقوله استخراج شده از متن مصاحبه‌ها، مربوط به نارسایی حمایت رسمی است و بدین معنا اولین مسئله‌ای است که ذهن مشارکت کنندگان را در گیر کرده است. در این مسیر، کندوکاو داده‌ها مسیر هدایت و اصلاح و درمان کم‌دوام از نظر مشارکت کنندگان را نشان می‌دهد. مشارکت کنندگان بر اساس تجربه که اکثراً بر اساس تصمیم و مراجعه برای درمان اعتیاد به دست آمده بود دلایل نارسایی حمایت رسمی از جمله، فقدان برنامه مراقبت از کودکان، عادی انگاری خدمات زنان باردار، انعطاف‌ناپذیری برنامه‌های درمان، ظرفیت محدود مرکز، عدم تحمل وقفه، عدم جدایی تعاملاتی و نارسایی آموزش را به عنوان موانع دسترسی زنان به درمان و درمان کم‌دوام شمردند. به باور آنان نارسایی حمایت‌های رسمی به سیاست‌ها، رویه‌ها و برنامه‌های درمان وابستگی به مواد اشاره دارد. اما در کنار نارسایی حمایت رسمی، دلایل دیگری، مانع توسعه خدمات حجه ارائه درمان می‌شود که تحت مقوله اصلی، فقدان سست توسعه خدمات

درمان با مقوله‌های فرعی، عدم قدرت تصمیم‌گیری توسط زنان، آگاهی محدود از اختلاف جنسیتی و تعیین‌پذیری اعتیاد مردان به زنان مطرح شد. بر اساس دید مشارکت کنندگان ترس از رویدادهای سخت زندگی مقوله اصلی دیگری است که در سطح فردی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بررسی می‌شود این عوامل به عنوان موانع دسترسی به درمان از دیدگاه مشارکت کنندگان محسوب می‌شود که شامل مواردی همچون ترس از دست دادن حضانت فرزند، شرم و ننگ، ترس از تنها بی، ترس از عود و بی‌ارادگی است. به باور مشارکت کنندگان بعضی از این عوامل در سطح کلان موانع دسترسی درمان و درمان کم‌دوام می‌باشند که ممکن است فرد نقش چندانی در آن‌ها نداشته باشد و عوامل در کلیت نظام اجتماعی قرار می‌گیرند. در شکل ۱ مدل کیفی موانع درمان وابستگی به مواد در زنان معتاد ارائه شده است.

۲۶۱
۲۶۱

۳۰ هندسه، شماره ۶۷، پاره ۲،
Vol. 17, No. 67, Spring 2023



شکل ۱: مدل کیفی تبیین موانع درمان وابستگی به مواد در زنان معتاد

بحث و نتیجه‌گیری

در قسمت قبل، یافته‌های عمدۀ پژوهش در قالب مفاهیم و مقوله‌های عمدۀ تبیین و تشریح شد. هدف اصلی این بخش تمرکز بر روی سؤال اصلی پژوهش یعنی موانع درمان و درمان کم‌دوام بین زنان معتاد کرمانشاه بود. مقوله‌های پژوهش در قالب مدل پارادایمی که بیانگر سؤال اصلی پژوهش است، استخراج شده است. این مدل پاسخ اصلی به سؤال محوری پژوهش یعنی موانع و علل درمان کم‌دوام است. لذا در اینجا مقوله نادیده انگاری مشروعيت یافته درمان جنسیتی به عنوان مقوله هسته انتخاب شد. به بیان دیگر اولین مقوله استخراج شده از متن مصاحبه‌ها، مربوط به نارسایی حمایت رسمی است و بدین معنا اولین مسئله‌ای است که ذهن مشارکت‌کنندگان را در گیر کرده است؛ اما در کنار نارسایی حمایت رسمی، دلایل دیگری، مانع توسعه خدمات جهت ارائه درمان می‌شود که تحت مقوله اصلی فقدان بستر توسعه خدمات درمان مطرح شد. بر اساس دید مشارکت‌کنندگان ترس از رویدادهای سخت زندگی، مقوله اصلی دیگری است که در سطح فردی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بررسی می‌شود. این عوامل به عنوان موانع دسترسی به درمان از دیدگاه مشارکت‌کنندگان محسوب می‌شوند. به باور مشارکت‌کنندگان بعضی از این عوامل در سطح کلان موانع دسترسی درمان و درمان کم‌دوام می‌باشند که ممکن است فرد نقش چندانی در آن‌ها نداشته باشد و عوامل در کلیت نظام اجتماعی قرار می‌گیرند. همچنین مدل استخراج شده پارادایمی شش بخش دارد که عبارت‌اند از: شرایط علی، پدیده، زمینه، مداخله‌گر، تعامل و پیامدها.

شرایط علی به حوادث، رویدادها و اتفاقاتی اشاره دارد که منجر به وقوع یا گسترش یک پدیده به معنای ایده، حادثه، رویداد و واقعه اصلی است (استراوس و کورین، ۱۳۹۰). شرایط علی در این تحقیق به مثابه موانع و درمان کم‌دوام وابستگی به مواد مخدر عمل می‌کند. در مقوله حاضر از جمله دلایل اصلی موانع و علل اصلاح و درمان کم‌دوام است. شرایط علی که باعث بروز پدیده اصلی شده است در قالب عواملی کشف شده‌اند که این عوامل فردی و اجتماعی بودند که در اینجا شرایط علی عبارت‌اند از: عدم قدرت در تصمیم‌گیری، ترس از دست دادن حضانت فرزند، ترس از تنها‌یی، ترس از عود، بی‌ارادگی

۲۶۲
262

۱۴۰۰/۱۷/№۰۶۷، سپتمبر ۲۰۲۱

و ترس از شرم و ننگ که این تاییج با یافته‌های تحقیق فتحی و بختیاری (۱۴۰۰) و لوید (۲۰۱۴) همسو است. زنان کمتر در موضع قدرت قرار دارند که بتوانند سیاست‌های توسعه و تخصیص منابع را تحت تأثیر قرار دهنند. صندوق توسعه ملل متعدد برای زنان، گزارش می‌دهد که زنان به طور گسترده در پارلمان حضور ندارند و بدون در نظر گرفتن هرگونه اختلاف سیستماتیک بین کشورهای فقیر و غنی تنها حدود ۱۴ درصد از اعضاء به طور میانگین از زنان تشکیل شده‌اند (غفاری، ۱۳۹۹). نیاز نهادی‌های مربوطه به تحقیق، تخصیص مستقیم منابع برای درمان اختلال مصرف مواد و توسعه سیاست‌هایی مربوط به مسائل جنسیتی را دشوارتر می‌سازد. زنانی که باردار و مادر هستند، اغلب از افسای این که آن‌ها مشکل مصرف مواد دارند و به دنبال درمان هستند، واهمه دارند. آن‌ها اغلب این ترس را دارند که آن‌ها به عنوان یک مادر نالایق در نظر گرفته شوند و حضانت فرزند خود را از دست بدهند. مطالعات اثبات کرده‌اند که زنان بیشتر از مردان دارای خانواده‌ای با مشکلات مصرف مواد مخدر هستند. از آنجایی که روابط نقش بسیار مهمی در زندگی زنان ایفا می‌کنند، زنانی که با شریک مصرف کننده مواد زندگی می‌کنند، ممکن است از جستجوی درمان منصرف شوند؛ زیرا آن‌ها ترس از دست دادن رابطه خود را دارند. تحقیقات در ادراکات زنان نشان می‌دهد که برخی زنان احساس می‌کنند که می‌توانند مشکلات شان را به تنایی کنترل کنند و یا به اثربخشی درمان ایمان ندارند (دفتر جهانی مبارزه با مواد مخدر، ۲۰۱۰). به طور کلی زنان نسبت به مردان مصرف کننده مواد مخدر، از خودانگاره و عزت نفس پایین‌تری که با افسردگی ارتباط دارد، برخوردارند.

در بیشتر جوامع و فرهنگ‌ها، مصرف مواد مخدر زنان نسبت به مردان ننگ بالاتری است. درنتیجه، احساس پشیمانی و گناهی که زنان در مصرف مواد مخدر تجربه می‌کنند و شکست آن‌ها برای ایفای نقش خود در جامعه، تصدیق کردن مصرف مواد و گشتن به دنبال کمک را دشوار می‌کند. مصرف مواد مخدر به طور منفی زنان و فرزندان و خانواده‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زنان معتاد که به عنوان همسر، منفی تر از مردان به مادر، پایه و اساس اخلاقی به حساب می‌آیند، اغلب به دلیل اعتیادشان، منفی تر از مردان به آن‌ها انگ اعیاد زده می‌شود. نگرش‌های اجتماعی منفی درباره ناپسند بودن زن معتاد،

یک مانع عمدۀ در درمان آن‌ها است. این نتایج با رحیمی موقر و همکاران (۱۳۹۰) و صابری و صابری (۱۳۹۳) همسو است. پدیده موردنظر در این مطالعه، اعتیاد و درمان وابستگی به مواد است که تا چه حد تحت تأثیر شرایط علی است و از شرایط علی تأثیر می‌پذیرد و به چه شکل بروز می‌کند که این امر به شرایط زمینه و مداخله گر بستگی دارد. همچنین راهبردهایی که در برابر این شرایط اتخاذ می‌کنند نیز تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای است (استراس و کوربین، ۱۳۹۰). زمینه نشانگر سلسله خصوصیات ویژه‌ای است که به پدیده دلالت می‌کند؛ به عبارتی محل حوادث، یا وقایع مرتبط با پدیده‌ای در طول یک بعد است. زمینه، در ضمن عبارت است از سلسله شرایط خاص که در آن راهبردهای کنش / کنش متقابل برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد. در این مطالعه شرایط زمینه‌ای عبارت است از: آگاهی محدود از اختلافات جنسیتی، تعمیم‌پذیری اعتیاد مردان نسبت به زنان، ظرفیت محدود مراکز، محدودیت انتقال، فقدان برنامه مراقبت از کودک و نارسایی آموزش. این نتایج با تحقیقات رحیمی موقر و همکاران (۱۳۹۰) و شاکرمی نسب و همکاران (۱۴۰۱) همسو است. بسیاری از عوامل سلامت سنتی بر وضعیت سلامت فردی تأثیر می‌گذارند. آموزش، درآمد، مسکن، اشتغال، شیوه‌های بهداشت فردی و محیط فیزیکی می‌تواند در تفاوت‌های وضعیت سلامت افراد نقش داشته باشد. همچنین اختلافات جنسیتی در بسیاری از این عوامل وجود دارند که باید در طراحی برنامه خدمات سلامت و درمان اختلال مصرف مواد در نظر گرفته شود. به عنوان مثال، زنان عموماً دارای درآمد کم‌تر هستند که می‌توانند به توانایی آن‌ها در حفظ سلامت خود یا برای پرداخت هزینه لازم برای خدمات بهداشتی اثر بگذارند. از طرفی دیگر، زنان اغلب قدرت کمتری برای مذاکره شیوه‌های امن‌تر نسبت به مردان دارند. خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، مشکلات استفاده از مواد مخدر ممکن است توسط عواملی مانند تغذیه ضعیف، فقر، سلامت، ضعف زایمان و مشکلات سواد مدت شود.

شرایط زمینه‌ای دیگر، تعمیم‌پذیری اعتیاد مردان نسبت به زنان است. اگرچه اصول و دستورالعمل‌ها، بهترین شیوه و مدل‌های مؤثر از درمان اختلال مصرف مواد زنان در چندین دهه گذشته منتشر شده است، اما بیشتر خدمات هنوز هم در درجه اول برای مردان طراحی شده‌اند.

می شود. علاوه بر این، بسیاری از مدل‌ها و روش‌های درمانی اختصاصی برای زنان فقط در کشورهای توسعه یافته است و نیازمند منابعی برای تحقیق کاربرد آن برای زنانی که در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زندگی می‌کنند، است. برخی مطالعات نشان دادند که زنان ممکن است نسبت به مردان مدت زمان بیشتری منتظر بمانند تا بتوانند وارد درمان خصوصاً درمان اقامتی شوند. ناتوانی فراهم کردن پاسخ سریع یا حمایت از زنان باعث می‌شود که زنان درمان را از دست دهند. عواملی مانند هنجارهای فرهنگی که به زنان اجازه خروج از منزل، مراقبت از کودکان و مسئولیت‌های خارج از خانه را نمی‌دهند، درمان و هزینه‌های مرتبط با درمان را برای زنان دشوار می‌کند که بخواهند جامعه خود را برای حضور در درمان ترک کنند. زنان ممکن است همچنین مشکلاتی در به دست آوردن برنامه‌های سرپایی را تجربه کرده باشند که از جایی که زندگی می‌کنند فاصله داشته باشد. مطالعات نشان می‌دهد که زنانی که به دنبال درمان هستند، بیش تر از مردان احتمال زندگی با وابستگی به کودکان را می‌توانند داشته باشند. فقدان مراقبت از کودکان احتمالاً سازگارترین عامل محدود کننده دسترسی به درمان برای زنان است. مطالعات نشان می‌دهد که زنان نسبت به مردان احتمال بیشتری برای زندگی با شریک مصرف کننده مواد، منشأ خانوادگی با مشکلات مصرف مواد مخدر و تجربه کودکی از اختلال استفاده جنسی یا فیزیکی دارند. این امر ممکن است مراقبت از کودکان و حمایت را برای زنان (مثل زن و شوهر، پدر و مادر یا سایر اعضای خانواده) غیرقابل دسترس کند. اگرچه جامعه نگران رفاه کودکان است، اما برنامه‌های اندکی از درمان اختلال مصرف مواد برای فراهم کردن مراقبت از کودکان تعلق گرفته است.

شرایط مداخله‌گر به شرایط ساختاری مربوط به راهبردهای عمل/ تعامل که مربوط به یک پدیده است اشاره دارد. آن‌ها تسهیل کننده یا محدود کننده راهبردهایی هستند که در درون یک زمینه خاص قرار دارند. شرایط مداخله‌گر عبارت‌اند از: جدایی تعاملاتی، انعطاف‌ناپذیری برنامه‌های درمان. یکی از شرایط مداخله‌گر جدایی تعاملاتی است افرادی که مشکلات مصرف مواد مخدر دارند، اغلب نیازمند تنوع خدمات سلامت اجتماعی هستند. همکاری ضعیف و اتصال بین سیستم‌های مهم می‌تواند موضع جدی برای رفع نیاز

را فراهم کند. برای زنان، همکاری و اتصال خصوصاً بین سیستم درمان اختلال مصرف مواد، سیستم رفاه کودکان و سیستم مراقبت ضروری است. خانواده‌های زنان و مسئولیت‌های خانه، می‌توانند شرکت در این برنامه‌ها با برنامه‌ریزی مشخص شده را برای آنان دشوار کنند. برنامه‌ریزی قابل انعطاف با گرینه‌هایی برای روز، هفته و شب می‌تواند امکان دسترسی را افزایش دهد. این نتایج با یافته‌های عسکری کویری، گنجی، بابایی فرو شیره‌بزر آرانی (۱۳۹۸) و روشن پژوه (۱۳۹۲) مطابقت دارد. راهبردهای عمل / تعامل برای مدیریت، اداره، انتقال دادن یا پاسخ دادن به پدیده تحت مجموعه خاصی از شرایط مشاهده، از سوی کنشگران تدبیر می‌شود، پیامد به بروندادها یا نتایج راهبردها اشاره دارد (استراس و کوربین، ۱۳۹۰). زنان معتاد استان کرمانشاه واکنش و تعاملات خاصی از خود بروز داده‌اند، عادی انگاری خدمات زنان معتاد باردار، عدم تحمل وقفه، این تعاملات پیامدهای خاصی می‌توانند داشته باشد که در مقوله هسته درمان کم دوام وجود دارد. به عبارت دیگر، درنتیجه این شرایط و تعاملات، درمان کم دوام و کم بازده خواهد شد، اعتیاد به مواد مخدر در بین زنان استان تسهیل می‌شود و شاهد روند افزایشی زنانه شدن اعتیاد هستیم.

نتیجه نهایی پژوهش نشان می‌دهد که موانع درمان و علل درمان کم‌دوم در بین زنان معتاد کرمانشاه در مقوله هسته نادیده انگاری مشروعیت یافته درمان جنسیتی در کک و تفسیر می‌شود. بدین معنا که بازسازی معنای انجام شده از درک و تفسیر زنان معتاد به مواد مخدر در زنان استان کرمانشاه تحت مقوله هسته و سه مقوله اصلی نارسایی کمک‌های رسمی، فقدان بستر توسعه خدمات درمان و ترس از رویدادهای سخت زندگی به دست می‌آید؛ بر اساس مقوله هسته پژوهش شرایط کتونی درمان مناسب نیست، علاوه بر تقویت برنامه کاهش تقاضا، روش‌ها و رویکرد درمانی باید تغییر کند. تدوین برنامه جامع درمانی با مشارکت همه جانبه نهادها و همکاری بخش خصوصی، برنامه به کارگیری روش‌های مشاوره زناشویی و خانواده به منظور حل مشکلات زناشویی و خانوادگی، جلب همکاری نزدیکان درجه اول معتاد، فراهم آوردن محیط مساعد خانواده برای معتاد بعد از درمان، روش‌های مؤثر کمک به معتادان و جلوگیری از بازگشت زنان به مصرف، تلاش در جهت

افزایش سطح آگاهی والدین نسبت به درمان و مراقبت‌های بعد از آن، تعمیق ارتباط عاطفی و عقلانی والدین به فرزندانشان و پرهیز از زورگویی در زمان درمان، تقویت روحی معتقدان خود معرف برای ترک در زمان مراجعه به کلینیک ترک اعتیاد، دادن آموزش کافی به فرد معتقد در زمان بستری، ایجاد مراکز درمانی دولتی برای معتقدان نادم و فاقد توان مالی و روان درمانی مناسب و آموزش علمی، فنی، شغلی، اخلاقی و دینی آن‌ها تحت وزارت بهداشت و درمان تا این قبیل معتقدان پناه بگیرند. برنامه‌های اقتصادی برای تغییر در معیشت، بازنگری در قوانین و ایجاد امکانات گذران اوقات فراغت پس از درمان مدنظر قرار گیرد. بر اساس این یافته‌ها و با توجه به نقش زن در خانواده و تأثیر آن بر سلامت خانواده و جامعه، لازم است خانواده‌های آسیب‌پذیر را شناسایی کرد و به این گروه آسیب‌پذیر توجه بیشتر کرد و برنامه‌های مناسبی طراحی شود تا علاوه بر پیشگیری با افزایش دسترسی به خدمات و کاهش آسیب و همچنین درمان، در ارتقاء سلامت زنان و جامعه گام مؤثری برداشته شود. نتایج این مطالعه را می‌توان در ارائه راهکارهای عملی به مسئولان استان کرمانشاه در اتخاذ تدبیر لازم در جهت ایجاد، توسعه و تقویت منابع و راهکارهای موجود در دستگاه‌های اجرایی استان به‌طور اعم و سازمان‌های بهزیستی، زندان‌ها و ستاد و شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر به‌طور اخص ارائه نمود. این مطالعه با محدودیت‌هایی از جمله عدم دسترسی به آمار و بانک‌های اطلاعاتی، خودداری بعضی از مسئولان از ارائه آمار و اطلاعات در حوزه زنان به خاطر حساسیت این بخش، فرآیند طولانی صدور مجوز به علت تمرکز مراجع تصمیم‌گیری در مرکز، عدم تمایل به همکاری و عدم دسترسی به بعضی از مشارکت‌کنندگان بخصوص در بخش دولتی به علت مشغله‌های فراوان و محدود بودن تحقیقات انجام شده در داخل کشور با موضوع اعتیاد زنان همراه بود.

منابع

- استراوس، آنسلم و کورین، جولیت (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۰).
- ایمان، محمد تقی (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگا.

بدیع، علی؛ مکوندی، بهنام؛ بختیاری، سعید و پاشا، رضا (۱۴۰۱). نقش الگوی ارتباطی خانواده، حمایت اجتماعی، تاب آوری استرس در پیش‌بینی خودکار آمدی ترک اعتیاد. اعتماد پژوهی، ۱۶(۶۳)، ۱۶۵-۱۶۶.

حاجلی، علی؛ زکریایی، محمدعلی و حجتی کرمانی، سوده (۱۳۸۹). نگرش مرد به اختلال مصرف مواد مخدر در کشور. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۲)، ۱۱۲-۸۲. رحیمی موقر، آفرین؛ ملایری خواه لنگرودی، زهرا؛ دلبر پور احمدی، شهناز و امین اسماعیلی، معصومه (۱۳۹۰). بررسی کیفی نیازهای زنان برای درمان. مجله روانپژوهی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۷(۲)، ۱۲۵-۱۱۶.

روشن پژوه، محسن (۱۳۹۲). سند جامع درمان و حمایت‌های اجتماعی اعتیاد کشور. تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر.

ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۹۷). کتابچه سال ستاد مبارزه با مواد مخدر. تهران: دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر.

شاکرمی نسب، محسن؛ عظیم زاده طهرانی، نگار؛ رستمی، طاهره و پاسان زاد، مصطفی (۱۴۰۱). اثربخشی درمان شناختی رفتاری مبتنی بر مدل مارلات بر لغع مصرف و خودکار آمدی ترک اعتیاد در بیماران تحت درمان با متادون. اعتماد پژوهی، ۱۶(۶۴)، ۲۵۸-۲۴۱.

صابری، زهرا و صابری، مینا (۱۳۹۳). نقش حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی در درمان اعتیاد زنان. تهران: ششمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده.

طاهری فرد، مینا؛ بشر پور، سجاد؛ حاجلو، نادر و نریمانی، محمد (۱۴۰۰). الگوی ساختاری عود افراد داری اختلال مصرف مواد بر اساس سوگیری توجه و حساسیت به پاداش با نقش میانجی کنترل. اعتماد پژوهی، ۱۵(۶۰)، ۱۴۲-۱۱۷.

طراحی، محمدجواد؛ انصاری، حسین؛ حیدری، کاظم؛ شرهانی، اسعده؛ اکرمی، رحیم و هلاکوبی، کوروش (۱۳۹۱). بررسی دیدگاه کارشناسان ترک اعتیاد و معتقدان خود معرف مراجعه کننده به مرکز ترک اعتیاد شهر خرم‌آباد در مورد عوامل مرتبط با عود اعتیاد. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۱۲(۴)، ۳۰۸-۳۰۰.

عسکری کویری، اسماء؛ گنجی، محمد؛ بابایی فر، اسدالله و شیرهپز آرانی، علی‌اصغر (۱۳۹۸). تحلیل محتوای ساختار مراکز درمان اعتیاد در ایران. اعتماد پژوهی، ۱۳(۵۳)، ۹۶-۷۷.

۲۶۸
۲۶۸

۱۴۰۱، ۱۷، N۰۶۷، S۰۵۴، P۰۳۳، L۰۲۳

- غفاری، داریوش (۱۳۹۵). مطالعه تأثیری عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعتیاد در بین زنان. پایان نامه دکتری، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.
- غفاری، داریوش (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی اعتیاد. تهران: آرون.
- فتحی، منصور و بختیاری، عباس (۱۴۰۰). مطالعه کیفی پیامدهای درمان اجباری اعتیاد. انتظام، ۱۳(۱)، ۲۰۰-۱۶۷.
- موسوی نسب، محمدحسین؛ شمس الدینی، لطیف و زهرا منصوری (۱۳۹۴). بررسی نقش واسطه‌ای رضایت از زندگی در رابطه بین راهبردهای مقابله با استرس و نگرش اعتیاد. اعتیاد پژوهی، ۳۳(۹)، ۵۵-۴۲.
- نوری، رویا (۱۳۸۹). جامعه صنعتی و اعتیاد به مواد صنعتی. ماهنامه اجتماعی و فرهنگی تولید، ۴۴، ۲۰-۱۷.

References

- Abasi, I., & Mohammadkhani, P. (2016). Family risk factors among women with addiction-related problems: an integrative review. *International journal of high risk behaviors & addiction*, 5(2), 1-10.
- Abazid, H., Abou -Isba, S., Abu Farha, R., & Al -Jomaa, E. E. (2020). Drug abuse in Syria: pattern of use, causes and perception as perceived by Syrian addicts. *Journal of pharmaceutical health services research*, 11(2), 183 -188.
- Brogly, S. B., Link, K., & Newman, A. (2018). Barriers to treatment for substance use disorders among women with children. *Canadian journal of addiction*, 9(3), 18-22.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basic Qualitative Research*. London: Sage.
- Goel, N., Gupta, S., Khanna, S., Lochan, S., Gupta, A., & Cander, R. (2018). Study of drug dependence with associated comorbid physical health disorder. *International journal of current research in medical sciences*, 4(6), 1 -11.
- Klaman, S. L., Lorvick, J., & Jones, H. E. (2019). Provision of and barriers to integrating reproductive and sexual health services for reproductive-age women in opioid treatment programs. *Journal of addiction medicine*, 13(6), 422-429.
- Lombard, S., Pullen, D. L., & Swabey, K. (2017). Conceptualizing trauma for children of drug addicted mothers: A developmental mapping. *Journal of trauma & treatment*, 6(1), 1-4.
- Loyd, A. (2014). *The Relationship Codes*; Alexander Loyd Services, LLC, 2430. <https://www.dralexanderloyd.com/the-relationship-codes/>
- Melemis, S. M. (2015). Relapse prevention and the five rules of recovery. *The yale journal of biology and medicine*, 88(3), 325 –332.

۲۶۹
۲۶۹

پژوهش‌های شناختی و هدفمند
۱۴۰۲ شماره ۶۷، پیاپی ۲۳
Vol. 17, No. 67, Spring 2023

- Nygaard, E., Moe, V., Slanning, K., & Walhovd, K. B. (2015). Longitudinal cognitive development of children born to mothers with opioid and polysubstance use. *Pediatric research*, 78(3), 330-335.
- Stevens, E., Jason, L. A., Ram, D., & Light, J. (2015). Investigating social support and network relationships in substance use disorder recovery. *Substance abuse*, 36(4), 396-399.
- UNODC Research (2010). World Drug Report. Retrieved from United Nation Office on Drugs and Crime Website, US: UNODC.
- UNODC Research. (2017). World Drug Report. Retrieved from United Nation Office on Drugs and Crime Website, US: UNODC.
- Upshur, C. C., Jenkins, D., Weinreb, L., Gelberg, L., & Orvek, E. A. (2018). Homeless women's service use, barriers, and motivation for participating in substance use treatment. *American journal of drug and alcohol abuse*, 44(2), 252 -262.
- WHO, C. O. (2020). World health organization. *Diabetes*.

۲۷۰

۱۴۰۱، ۱۷، نو ۶۷، سپتامبر ۲۰۲۳
سازمان اسناد و کتابخانه ملی